

جستاری در هنجارهای کیفیت ادراک مکان در تجربه بازآفرینی فضای شهری

مطالعه موردی: مجموعه شهری امامزاده صالح تجریش تهران^۱

اعظم کریمی یزدی^۲ - کارشناس ارشد طراحی شهری، دانشگاه بین المللی امام خمینی (ره)، قزوین، ایران.
ناصر براتی - دانشیار گروه شهرسازی، دانشگاه بین المللی امام خمینی (ره)، قزوین، ایران.
مجید زارعی - دانشیار گروه شهرسازی، دانشگاه بین المللی امام خمینی (ره)، قزوین، ایران.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۲/۲۴

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۱۰/۲۳

چکیده

فضای شهری عرصه بروز حیات جمعی و گفتمان اجتماعی در بستری واجد مؤلفه‌های پاسخ‌دهندگی به کیفیات مکان است. در نظر گرفتن کیفیات مکانی مورد ادراک کاربران یک فضای شهری هم‌تراز با مؤلفه‌های مکانی مدنظر سازندگان شهری، بیانگر توجه به بُعد اجتماعی فضا و زمینه‌ساز تحقق الگوی طراحی شهری ادراکی خواهد بود. کاربست این الگو در ساماندهی و احیای هر محیط شهری امکان توجه توأمان به محیط شهری یا فضا، کاربران در فضا و طراحان بر فضا را در برداشت کیفیات ادراک شده از مکان فراهم می‌سازد. این امر ضرورت مشارکت فعال شهروند در اقدامات مداخله در عرصه‌های شهری را مطرح می‌کند.

این مقاله سعی دارد مؤلفه‌های مرتبط با هر یک از ابعاد کیفیت محیط شهری، هنجارها و سنجه‌های ابعاد طراحی شهری و به عنوان زیربنای پژوهشی این مقاله، زیرسنجه‌ها و سیاست‌های ابعاد ادراکی و معنایی طراحی شهری را به دست دهد. گفتنی است در ارزیابی سنجه‌های ادراکی مکان مورد پژوهش - مجموعه شهری امامزاده صالح (ع) تجریش - داده‌های کمی و کیفی حاصل از پرسشنامه در برداشت اطلاعات ذهنی مخاطبان از کیفیات مکان، در قالب نقشه و نمودار به روش توصیفی-تحلیلی مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. بنابراین رویکرد پژوهش، روش تحقیق "پیمایشی" نتایج حاصل از اطلاعات پژوهش، "تحلیل محتوا" و "مطالعه موردی" است. ارزیابی ادراک فضای شهری، مؤلفه‌های دخیل در ادراک فضایی را از طریق شیوه انتظام سنجه‌ها با کلاسه هنجارهای کیفی ادراکی "ادراک بصری"، "تعامل ذهنی با محیط"، "نظم"، و "کیفیت دید و منظر" در بُعد ادراکی و هنجارهای کیفی ادراکی "خوانش"، "معناداری ارتباطی" و "هویت" در بُعد معنایی فضای شهری به دست می‌دهد.

نتیجه این امر در بازآفرینی مجموعه شهری، "تصور آینده" محدوده پژوهشی منطبق بر هنجارهای ادراکی-معنایی مکان، ما را به بیان مجموعه‌ای از اهداف در راستای سنجه‌های هنجارهای کیفی ابعاد ادراکی-معنایی پاسخ‌دهندگی محیطی، تدوین اصول طراحی، اهداف طراحی و سیاست‌های اجرایی طراحی رهنمون می‌سازد. در این راستا این مقاله بدین سئوالات پاسخ می‌گوید: سنجه‌ها و هنجارهای کیفی مطرح در ارزیابی ابعاد ادراکی-معنایی مکان کدامند؟ کدامین سیاست‌های طراحی امکان حصول به سنجه‌ها و هنجارهای ادراکی-معنایی مکان را به صورت عام مقدور می‌سازد؟ چگونه سنجه‌های ادراکی-معنایی در "تصور آینده" محدوده پژوهش، و بیان اهداف کلان آن و از آن ره در تدوین اصول طراحی، اهداف (خرد) طراحی و سیاست‌های اجرایی فرآورده طراحی لحاظ می‌شود.

واژگان کلیدی: بازآفرینی، مشارکت، مکان، هنجارها و سنجه‌های ادراکی-معنایی.

۱ این مقاله مستخرج از پایان نامه کارشناسی ارشد "اعظم کریمی یزدی"، با عنوان "بازآفرینی فضای شهری از نظرگاه خوانش کیفیات ادراک مکان از منظر مخاطبان و سازندگان فضا (نمونه موردی مجموعه شهری امامزاده صالح (ع) تجریش تهران)" است که به راهنمایی دکتر "ناصر براتی"، و دکتر "مجید زارعی" در جایگاه استاد مشاور در دانشگاه بین المللی امام خمینی (ره) انجام گرفته است.

۲ نویسنده مسئول مقاله: mahtab.karimi4066@yahoo.com

فضاهایی با مالکیت عمومی، دارای بیشترین گستردگی مقیاسی، بیشترین استفاده کننده در شهرها و بیشترین سهم در حیات جمعی شهروندان هستند. از این رو ارتقای کیفی این دسته از فضاها نسبت به سایر فضاها در اولویت قرار دارد. کم اهمیت شدن عرصه‌های حضور پیاده، رونق گرفتن کریدورهای حرکتی و فعال شدن بدنه‌های آنها و انتقال فعالیت‌هایی که در مراکز محله‌ها یا میادین شهری متمرکز بودند به خیابان‌ها، سبب می‌شود که تعادل میان حرکت و مکث در شهر با وزین شدن ماهیت حرکتی برهم بخورد. بنا بر نظر فرانسویس تیبالدز امروزه ما شاهد تنزل عرصه‌های عمومی شهرها هستیم. از این رو، احیای عرصه‌های عمومی شهری به عنوان صحنه اصلی حیات اجتماعی و ظرف فضایی زندگی جمعی نیازمند مدنظر قرار دادن مؤلفه‌های مطلوبیت ادراک فضایی به منظور ارتقای احساس ناظر در درک کلیت واحد از فضا است.

هر محیط شهری در گذار به شخصیت مکانی خویش باید ریشه‌های هویتی و ساختار معنایی خود را در زمان تداوم بخشد تا موجد جاری شدن زمان در مکان گردد. آنچه در عرصه‌های واحد پیشینه هویتی در شهر امروز مشهود است، تزلزل مکان نسبت به پایه‌های معرفت شناختی آن و ضعف ادراک لایه‌های مختلف زمانی در فضا است. واکاوی ریشه‌های هویتی فضا و تلاش در جهت استخراج تفسیرها و تأویل‌های پنهان در متن مکان و بازشناسی نقش ادراکی فضا در ذهن بازیگر مکان، امکان پیوند مخاطب را با گذشته فراهم ساخته و امروز را در پیوند با دیروز بارور می‌سازد. بنابراین "بازآفرینی شهری" به منزله یک جریان فرهنگی، ابزار مناسبی برای درگیر کردن همه بازیگران در فرآیند بهسازی و نوسازی شهری است. ارتقای سطح دانش و بینش اجتماعی نسبت به موضوع بازآفرینی پایدار شهری، رویکرد پیش روی سازمان‌ها و ارگان‌های ذی مدخل و ذی نفوذ در امر مداخلات در بافت‌ها و فضاها شهر است تا بتوانند زیر چتر بازآفرینی شهری، موجی از تأثیرات را بر رویه ارتقای کیفیت زندگی مردم پدید آورند. در این پژوهش در تجربه بازآفرینی با تکیه بر ارزیابی کیفیات ادراک، به این پرسش‌ها پاسخ داده می‌شود: مؤلفه‌های دخیل در ارتقای ادراک فضایی با تأکید بر ارتباط متقابل فضا - طراح - ناظر کدامند؟ سنجه‌ها و هنجارهای کیفی مطرح در سنجش ابعاد ادراکی - معنایی مکان کدامند؟ کدامین سیاست‌های طراحی امکان حصول به موارد فوق را به صورت عام فراهم می‌سازد؟ چگونه سنجه‌های ادراکی - معنایی در تصور آینده محدود پژوهش و بیان اهداف کلان آن و از آن ره در تدوین اصول طراحی، اهداف (خرد) طراحی و سیاست‌های اجرایی فرآورده طراحی لحاظ می‌شود. این مقاله "بازآفرینی فضای شهری را از نظرگاه خوانش کیفیات ادراک مکان" و به صورت اخص در مجموعه شهری امامزاده صالح (ع) تجریش تهران، در راستای پاسخگویی مؤلفه‌های مؤثر در ادراک فضایی از منظر مشترک مخاطبان و طراحان فضا و کاهش عرصه علم و عمل در حیطه شهری مورد بررسی و مطالعه قرار می‌دهد تا از تجارب و مطالعات صورت گرفته در راستای رسیدن به اهداف بهره برده شود.

حاصل طراحی شهری، در وهله نخست کالبدی خواهد بود که هم از نظر عموم مردم و هم از نظر طراحان پذیرفته شده باشد (RezaZadeh, 2010, 40). یکی از مهم‌ترین ابعادی که در طراحی محیط باید به آن دقت شود، فرایند احساس، ادراک و شناخت محیطی است که تجربه مکان را برای انسان هموار می‌سازد (Barati & SoleimanNejad, 2011, 20). برونسویک^۱ عنوان می‌کند که انسان‌ها نقش بسیار فعالی را در سازماندهی ادراکشان از محیط بازی می‌کنند (Mc Andrew, 2015, 3). سه نحوه تفکر می‌تواند بر طراح و طرح وی حاکم باشد: ۱. طراحی مستبدانه، ۲. طراحی تخصص گرایانه و ۳. طراحی مردمی. در تفکر سوم مانند شق اول فرم و مانند شق دوم همخوانی فرم و عملکرد کافی نیست، بلکه طراح به دنبال فضایی است که اندازه و فرم آن با زندگی اجتماعی که در آن مکان جاری است، تناسب داشته باشد. به زبانی دیگر طراح سعی در همخوانی بین فرم، عملکرد و معنای صادره از فضا دارد و به دنبال "خلق مکان" است (Pakzad, 2016, 146-147).

برای خلق مکان و فهم روح حاکم بر مکان، مفاهیم "معنا" و "ساختار" بایستی مطرح شود. "معنا" هر چیز ریشه در روابط آن با اشیای دیگر دارد؛ یعنی آنچه که آن شیء "گرد هم می‌آورد". "ساختار" بر ویژگی‌های شکلی و فرمی مجموعه‌ای از روابط اشاره دارد. از این روست که ساختار و معنا وجوه کلیت‌اند (Norberg - Schulz, 2015, 235). مفهوم گرد هم آوردن حاکی از آن است که معانی طبیعی در رابطه‌ای از مقاصد انسانی گرد هم آورده می‌شود. آرنولد توین بی^۲ رابطه میان انسان و محیطش را به "پرسش و پاسخ" تعبیر می‌کند. انسان نه تنها طبیعت بلکه خود، اجتماع و فرهنگ را نیز می‌سازد و در این فرایند ممکن است محیط را به شیوه‌های مختلف تفسیر کند (238-237, same). بنابراین هنجارهای کیفی پاسخ‌دهندگی محیط از سوی بسیاری از صاحب‌نظران طراحی شهری مورد بحث قرار گرفته است. کیفیت یک فضا از برآیند مؤلفه‌هایی حاصل می‌شود که با شناسایی کارکردها و تأثیرات مناسب هر یک از آنها بر فضا می‌توان راهکارهایی برای بهبود کیفیت فضای شهری ارائه داد (RastBin et al., 2012, 39). در پروسه بازآفرینی فضای شهری، بایستی ساکن شهر را با فضای شهر و اجزای متشکله آن درگیر کرده، در خاطر او جای گرفته و او را به خاطر سازی در شهروادارند تا شهر و شهروند بتوانند فضایی پر از رمز و راز، معمایی و سرشار از انگاره‌ها را شکل دهند. در این حالت شهر و فضای شهری می‌توانند به صحنه نمایشی تبدیل گردند که در آن شهروند در هر لحظه از تجربه فضا نقش دوگانه بازیگر و تماشاگر را بازی می‌کند (Habibi & Maghsudi, 2016, 1). از آنچه بیان شد، نقش دوجانبه شهروند در علت و معلول، نقش دهنده و نقش پذیر و مؤثر و متأثر از کیفیت فضا در خلق مکان شهری موفق جان می‌گیرد و ضرورت بذل توجه به مفهوم مشارکت را مطرح می‌کند.

1 Brunswik

2 Arnold Joseph Toynbee

۲٫۱. مفهوم مشارکت^۱

از دید فلسفی بنیادی‌ترین اندیشه، مشارکت پذیرش اصل برابری انسانهاست. مشارکت یک فرآیند است و نه یک فرآورده با پیامدی ساکن و ایستا. مشارکت شامل سه جزء مهم درگیری ذهنی و عاطفی، یاری دادن و مسئولیت پذیری است (Ahmadi, 2009, 77). مشارکت اجتماعی در طراحی شهری به عنوان وسیله‌ای برای کاهش فاصله بین متخصصان و غیرمتخصصان، طراحان و استفاده‌کنندگان فضا و طراحی توانمند و کم توان مورد تشویق قرار می‌گیرد. شهروندان و اجتماعات محلی بیش از دیگران تحت تأثیر تغییرات حاصل از پروژه قرار خواهند گرفت و با دخالت و همکاری آنان حس تعلق بیشتری به دنبال حق تصمیم‌گیری در محیط حاصل می‌شود، کیفیت طراحی محیط افزایش می‌یابد و منافع حاصل از طرح به شکل عادلانه‌تری توزیع می‌شود. رادلین و فالک^۲ بر اهمیت گروه‌های ائتلاف در حمایت از ایده‌های طراحی و شکل‌گیری اصول و ضوابط پیشنهادی در مجموعه "ضوابط ارائه شده به وسیله شهرداری منچستر برای محله هیوم"^۳ تأکید می‌کنند (Carmona et al., 2015, 533-535). جان لنگ^۴ عقیده دارد، متخصصان طراحی محیط بسیار تحت تأثیر جنبه‌های بصری قرار دارند و شهر را بیشتر به صورت یک اثر هنری می‌شناسند، به جای آن که آن را محل زندگی مردم بدانند. هابارد^۵ نیز عقیده مشابهی دارد. بنتلی^۶ معتقد است متخصصان دارای تجارب جهانی‌اند در حالی که مردم از تجارب محلی برخوردارند، هر دو باید در فرایند طراحی مورد توجه قرار گیرند تا بتوان به خلق مکان‌هایی دست یافت که پاسخگوی نیازها بوده و دارای معنا باشند (same, 526-527). ویشر^۷ پیشنهاد می‌کند مدل تحقیقاتی استفاده‌کنندگان به جای بررسی "نیازها و اولویت‌ها" به مدل "تطبیق و کنترل" تغییر یابد تا با نگاهی متفاوت نسبت به کاربران فضا، نقش آنها از افراد غیرفعال به افرادی فعال که عامل تغییر محیطند، تبدیل شود (same, 532). گاهی تعریف مشارکت مردمی به معنای "چیزی به دست هر کسی قبل از هر تصمیمی" تحریف می‌گردد که ژوان دیاز بردنیو^۸ از آن به عنوان "بیماری مشارکت"^۹ نام می‌برد. فصل مشترک تعاریف ارائه شده از مفهوم مشارکت در منابع گویای آنست که:

مشارکت عمومی فقط به معنای آگاه ساختن مردم نیست، بلکه تعاملی است دو طرفه میان سازمان‌های تصمیم‌ساز و مردمی که می‌خواهند مشارکت کنند.

مشارکت مردمی یک فرایند سازمان یافته برای درگیر نمودن مردم است، امری تصادفی و اتفاقی نیست.

- 1 Participation
- 2 Rudlin & Falk
- 3 Hulme
- 4 Jon Lang
- 5 Hubbard
- 6 Bentley
- 7 Vischer
- 8 Juan Diaz Bordeniv
- 9 Participationitis

مشارکت‌کنندگان سطوح متفاوتی از تأثیر بر روی تصمیمات دارند. مشارکت مردمی در تصمیمات دولتی که اغلب بنگاه‌ها و گاه سازمان‌های خصوصی می‌گیرند، به کار برده می‌شود (Sharafi et al., 2009, 38).

نظام برنامه‌ریزی کنشگر در طراحی شهری طراح را در شناخت افرادی که سهمی مهم در تغییر و تحول دارند، درگیر می‌کند، اطلاعات و نظرات این افراد را جمع‌آوری می‌نماید، به شناخت دغدغه‌ها و منافع مشترک کمک می‌کند و منجر به توافق عمومی پیرامون اصول طراحی و برنامه‌ریزی می‌شود (نمودار شماره ۱). وظایف ویژه این نظام به قرار زیر است: برنامه‌ریزی، ساماندهی و هماهنگ نمودن جلساتی به منظور ارائه گزارش، جمع‌آوری اطلاعات و تبادل نظر پیرامون آن، ایجاد انگیزه در طیف وسیعی از مردم، مدیریت کشمکش‌ها، تسهیل رخدادهای مذاکره، پایش و بازنگری فرایند. موفقیت در این راه به استفاده از تکنیک‌های مناسب، کنترل رویدادها و درگیر نمودن افراد ذی صلاح در زمان و مکان مقتضی وابسته است (Danesh & Basiri, 2008, 72-73).

۲٫۲. مفهوم بازآفرینی^{۱۰} با رویکرد محرک توسعه

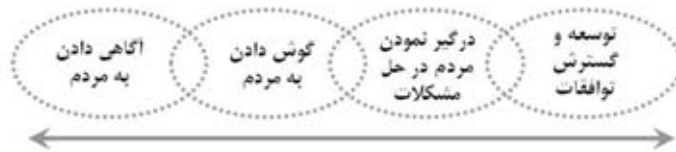
بازآفرینی شهری یک اصطلاح عام به معنای احیا، تجدید حیات و نوزایی شهری است که از اواخر دهه ۱۹۸۰ و اوایل ۱۹۹۰ در هلند و آمریکا مطرح شد (Nourian & Ariana, 2013, 16). بازآفرینی شهری طیف وسیعی از فعالیت‌ها مانند بهسازی، نوسازی، بازسازی، توانمندسازی و روان بخشی شهری را در بر می‌گیرد که هدف آنها احیای بافت‌های شهری، تجدید حیات اجتماعی و اقتصادی بافت، احیای ساختمان‌ها، زیرساخت‌ها و تأسیسات شهری و تزریق زندگی به بافت هاست (Landry, 1995). نقش بازآفرینی شهری، کشف نیروها و عواملی است که افت شهری را به وجود آورده‌اند و اتخاذ واکنش مثبت و پایداری است که به بهبود مستمر و کیفی حیات شهری منجر می‌گردد (Roberts and Sykes, 2003, 35). از دیدگاه کاچ و همکاران، "بازآفرینی شهری سیاستی است مرتبط با رشد مجدد فعالیت‌های اقتصادی، در جایی که از بین رفته است، احیای عملکرد اجتماعی است در جایی که فاقد عملکرد اجتماعی است، یا تعاملات اجتماعی در جایی که محرومیت اجتماعی وجود دارد و احیای کیفیت محیطی یا تعادل اکولوژیکی در جایی که از دست رفته باشد." (Sajjadzadeh et al., 2018, 6). کوان پروژه‌های محرک توسعه یا کاتالیزورها^{۱۱} را بالاترین سطح از تمام عناصر طرح بازآفرینی می‌داند. اقداماتی مانند پروژه‌های پرچم، پروژه‌های پرستیز، پروژه‌های طلایی و نقره‌ای^{۱۲} و ... همگی در قالب پروژه‌های محرک توسعه شکل می‌گیرد. هدف اصلی پروژه محرک، خلق توسعه‌ای است که فراتر از عرصه خودش باشد

10 Rivialtization

۱۱ Catalyst

این اصطلاح در شهرسازی برای نخستین بار به وسیله آتو و لوگان در کتاب معماری شهر آمریکایی در سال ۱۹۸۹ مطرح شد (Azizi & Bahra, ۲۰۱۸, ۶ & ۱۵)

12 Flagship Project & Prestige Project & Gold and Silver Project



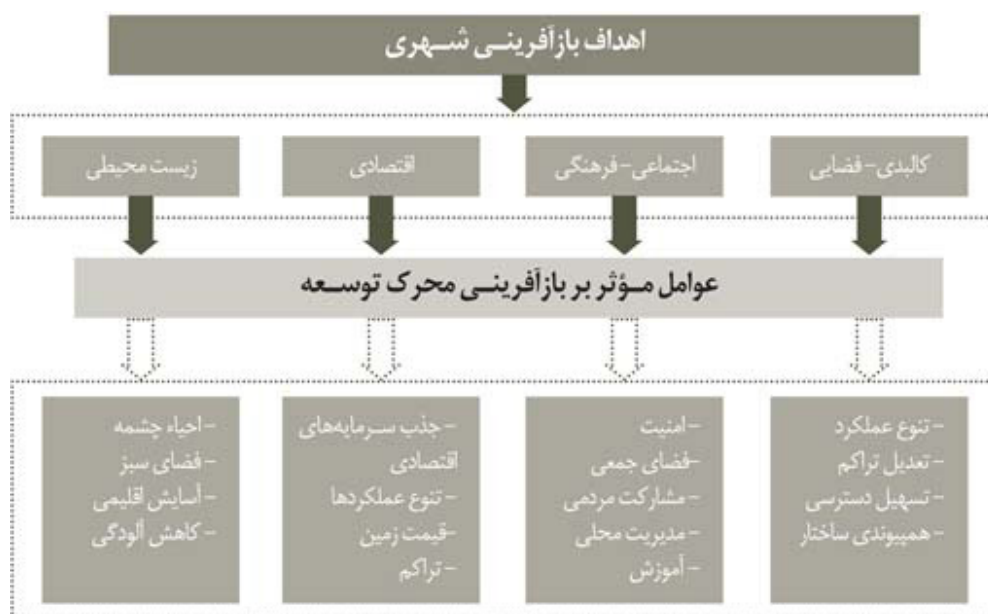
نمودار شماره ۱: زنجیره مشارکت. مأخذ: Sharafi et al., 2009, 39.

بازآفرینی است. نیاز به بودجه برای اجرای ایده‌های جدید در بازآفرینی شهری، مشارکت طیف وسیعی از فعالان شامل بخش‌های عمومی و خصوصی، سازمان‌ها و نهادهای اجتماعی و داوطلب محلی را می‌طلبد (Aminzadeh & Reza Beigi Sani, 2012, 30-31). با این حال، بازآفرینی لزوماً در عمل پیامدهای مثبتی را در پی ندارد. زمانی که پروژه محرک به ساخت‌وسازهایی می‌انجامد که تنها به تقاضاهای اقتصادی پاسخ می‌دهند، نیازهای درازمدت شهروندان به فضاهای عمومی و فعالیت‌های مختلط نادیده گرفته شده و اقبال ایجاد محله‌های سرزنده و جوامعی پایدار از دست می‌رود. از سویی بازآفرینی مبتنی بر املاک و سرمایه‌گذاری بر روی پروژه‌های محرک توسعه می‌تواند آثار مخربی بر تجارت و جوامع محلی داشته باشد. بازآفرینی محلات ممکن است با زوال نواحی دیگری از شهر همراه بوده و به جدایی‌گزینی‌های اجتماعی منجر شده و نابرابری‌های اجتماعی-فضایی را تقویت نماید. کریکینگن و دکرولی^۱ تأکید می‌کنند، پروژه‌های محرک به طور مشخصی در نتیجه و سطح موفقیت متفاوتند. همچنین، گرچه تلاش‌های بازآفرینی شهری شباهت‌های اساسی با هم دارند، اما از شهری به شهر دیگر در پاسخگویی به واقعیت‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و تاریخی، تفاوت‌های زیادی مشهود است (Azizi & Bahra, 2018, 7).

و حضور فیزیکی توسعه به وضوح قابل مشاهده خواهد بود (Azizi & Bahra, 2018, 6-7). جان لنگ عنوان می‌کند منظور از شهرسازی محرک، طراحی و ساخت زیرساخت‌های یک پروژه به منظور به هم پیوستن آن به عنوان یک واحد و برای ایجاد انگیزه در هر یک از مالکان و سازندگان یا سرمایه‌گذاران به منظور سرمایه‌گذاری در ساختمان‌های جدید است (Lang, 2015, 419-420). این محرک‌ها توانایی تأثیر بر فرم، کاراکتر و کیفیت عناصر شهری را دارا بوده و عموماً زنجیره‌ای کنترل شده از واکنش‌های محرک را در پی دارند (Sajjadzadeh et al., 2016, 61).

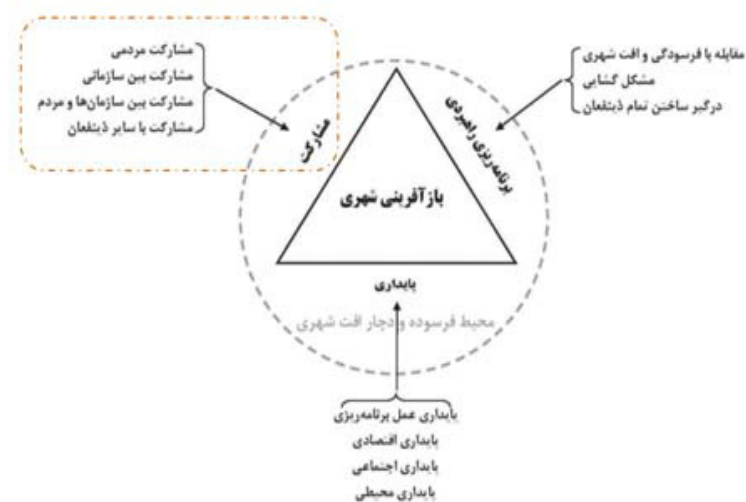
رابرتز بازآفرینی شهری را فرایندی می‌داند که به خلق فضاهای شهری جدید با حفظ ویژگی‌های اصلی می‌انجامد (Sajjadzadeh et al., 2018, 6). رابرتز بر اهمیت حمایت از جمعیت محلی و درگیرسازی آنها در فرایند بازآفرینی تأکید دارد (نمودار شماره ۳). از دیدگاه او، نقش مشارکت در رویکرد بازآفرینی شهری از سه جنبه حائز اهمیت است:

۱. اهمیت چند بعدی آفت شهری که طیف وسیعی از فعالان را در جهت رفع آن درگیر اجرای برنامه‌های بازآفرینی می‌نماید.
۲. تمرکزگرایی قدرت و تفکیک وظایف در سازمان‌های شهری که شکست این تمرکزگرایی و متشکل نمودن سازمان‌ها در برابر هر یک از مشکلات نیازمند تأکید بر جایگاه مشارکت در



نمودار شماره ۲: عوامل مؤثر بر بازآفرینی محرک توسعه. مأخذ: Sajjadzadeh et al., 2016, 62.

1 Criekingen and Decroly



نمودار شماره ۳: جایگاه مشارکت به عنوان یکی از عناصر اصلی بازآفرینی شهری. مأخذ: Nourian & Ariana, 2013, 17.

۲.۳. الگوی طراحی شهری ادراکی

تحقق الگوی طراحی شهری ادراکی، سیمایی را در شهرها رقم می‌زند که می‌توان آن را "منظر شهری ادراکی / زمینه‌گرا" نامید (Golkar, 2014, 178). ساختار ادراکی^۱ شامل مجموعه عناصر تجسمی و دریافت ذهنی بیننده از محیط شهری و عناصر کیفی آن، درک خوانایی کالبدی، مکانی، زمانی و تشخیص عناصر هویت بخش است (Karimi Yazdi et al., 2017, 15). مهم‌ترین ویژگی "منظر شهری ادراکی / زمینه‌گرا" مطرح بودن به عنوان یک "ساختار اجتماعی - فضایی"^۲ است. مفهوم منظر شهری در این الگو، از مفهوم فضایی و سه بعدی فراتر رفته و با لحاظ گردیدن بعد "معنا"، یک تحول چارچوبی از پارادایم فضا به "مکان"، صورت می‌گیرد (Golkar, 2014, 180). در نظر گرفتن کیفیات مکانی مورد ادراک کاربران یک فضای شهری هم‌تراز با مؤلفه‌های مکانی مدنظر سازندگان شهری، بیانگر توجه به بعد اجتماعی فضا است. ادراک شهروندان از فضا توأم با ریشه‌های فرهنگی^۳ و عرف جامعه تعلق فرد به آن، زمینه‌ساز شکل‌گیری چارچوب عملی فرد در استفاده از فضا و بروز رفتارهای اجتماعی در محیط است. از آغاز دهه شصت قرن بیستم تاکنون مفهوم فضای شهری با رجعت به کامپلوزیته^۴، گدس^۵، ممفورد^۶ و سایر فرهنگ‌گرایان و طرفداران

2 Perceptual Structure

3 Socio-Spatial Structure

۳ بازآفرینی فرهنگ مینا، با طرح مفاهیم پایه‌ای به این نکته اساسی می‌رسد که می‌توان در بافت‌های دورنی و هسته‌های مرکزی شهرها، با اطمینان به نتایج فرآیند بازآفرینی، از رهیافت فرهنگی و ویژگی‌های مثبت آن بهره جست. این رهیافت، به کالبد دیروز احترام می‌گذارد و ساختارهای نورا در همخوانی با ساختارهای دیروز، به این ترکیب می‌افزاید و محتوا و کارکردی را ارائه می‌دهد که روساخت آن جریان فرهنگی و اجتماعی و زیرساخت آن، سازوکاری کاملاً اقتصادی و پربازده است. چنین نگاهی موجب رسیدن به نوعی همگرایی در هدف و وسیله بازآفرینی شهری می‌شود (Lotfi, 2012, 47).

5 Camillo Sitte

6 Patrick Geddes

7 Mumford

آمایش انسانی در شهر که در زنده نگه داشتن مفهوم و اثر فضای شهری خدمت بزرگی کرده بودند، متکی بر این استنباط است که فضا باید برای فعالیت‌های شهر سازمان پیدا کند (Shieh & Meimandi Parizi, 2009, 64). با عبور از مفهوم آینده‌ای برای گذشته در سال‌های دهه هفتاد به مفهوم گذشته‌ای برای آینده در دهه هشتاد، اقدامات مداخله در عرصه‌های شهری مفهوم "بازگشت به خانه" را در معنای "به حال آوردن" و "در حال زندگی کردن" طرح می‌کند؛ بازگشت به خویش‌نوازی خویش برای حرکت به سوی آینده، آینده‌ای که حیات شهری با حیات مدنی در هم آمیخته می‌شود و شهروند به عنوان عضوی فعال در همه امور و شهر مشارکت می‌کند (Habibi & Maghsudi, 2016, 1).

آنچنان که در پروسه بازآفرینی بیان شد، بایستی ساکن شهر را با فضای شهر و اجزای متشکله آن درگیر کرد. در این حالت شهر و فضای شهری می‌توانند به صحنه نمایشی تبدیل گردند که در آن شهروند در هر لحظه از تجربه فضا، نقش دوگانه بازیگر و تماشاگر را بازی می‌کند. راپاپورت^۷ در تفسیر رابطه بین انسان و محیط، محیط را در برگیرنده یک رشته مناسبات میان اشیاء با اشیاء، اشیاء با مردم و مردم با مردم می‌داند و اصل طراحی را بر چهار اصل مفهوم استوار می‌کند: فضا، زمان، ارتباط و معنا (RastBin et al., 2012, 38). اپلیارد^۸ با باور به این که شهر دستاورد ادراک گروه‌های گوناگون مردم است، ادراک مردم را جدا از ارزش‌ها و رفتارهای آنان نمی‌داند و بر این پایه بر ضرورت شناخت چگونگی رابطه میان ارزش‌های ذهنی شهروندان با آنچه که آنان در واقعیت از شهر ادراک می‌کنند، تأکید داشت (Pakzad, 2014, 166-167).

هنری سن اوف در کتاب "روش‌های مشارکت عمومی در برنامه‌ریزی و طراحی محیط‌های انسان ساخت"، نمونه‌هایی از پروژه‌هایی که در آنها فرایندها و تکنیک‌های مشارکت اجتماعی برای شکل‌دهی به ساختمان‌ها، واحدهای همسایگی و شهرهای کوچک به کار گرفته شده را بیان می‌کند (Sanoff, 2018). تجارب موفق مشارکت

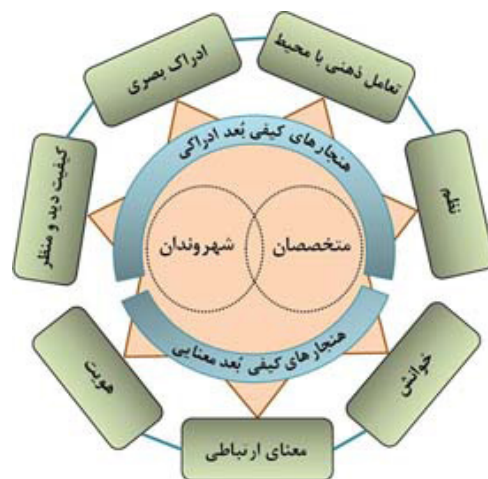
1 Rapoport
2 Appleyard

شهروندی حاکی از آنست که دستیابی به بهترین راه حل‌ها در گروه مشارکت فعال مخاطبان از ابتدای پروژه و بسط آن است. منظور از مشارکت، استفاده ابزاری از آن به منظور قانونمند ساختن اقداماتی که متخصصان بر آنها صحنه گذاشته‌اند نیست، بلکه هدف آنست که متخصصان به عنوان مشاوران اجتماع عمل کرده و زمینه کمک‌های تخصصی لازم را برای تحقق آرمان‌های جامعه با راه حل‌های مناسب فراهم کنند. اگر مردم قبل از آگاهی کامل از حقایق و گزینه‌های ممکن طراحی، جبهه ثابتی را اتخاذ کنند، ارائه رویکردهای خلاقانه و خارج از قیدوبند غیرممکن است. در اینجا نیاز به افراد کارآموده‌ای است که با کسب مهارت‌های لازم برای برقراری ارتباط مردم با فرایند طراحی بتوانند جامعه محلی را برای رسیدن به راه حل‌های مناسب راهنمایی کنند. می‌توان فرهنگ واژگان فرایند را به عنوان فصل مشترکی بین مردم و متخصصان تعریف و از آن استفاده کرد (Bell, 2015, 411-412). مروری بر تجارب مشارکت شهروندی در ایران گویای محدود ساختن امر مشارکت به مرحله جمع و تملک اراضی و همکاری صاحبان در این امر است. ساماندهی صرف توده کالبدی مطابق با طرح‌های از پیش تصویب شده و رها ساختن عرصه ظهور حیات شهری با لفظ ارتقای سطح شهروندی بیش از رویکردی از بالا به پایین و دیکته شده بر موضع نیست. تقلیل مفهومی وسیع به این سطح، ضرورت اصلاح در ساختار اداری-تشکیلاتی امر ساخت و توسعه عرصه‌های شهری را مطرح می‌کند.

۳. مدل مفهومی پژوهش

رفیعیان عنوان می‌کند برای درک فضای شهر، «هیچ محیطی قائم به ذات نیست که محیط ساختی ذهنی دارد». هابارد^۱ می‌گوید: «آموزش و نحوه طراحی، دیدگاه خاصی در متخصصان این رشته ایجاد می‌کند که به جنبه‌های قابل اندازه‌گیری کیفیت محیط بیشتر از جنبه‌های ادراک شخصی توجه و نظر دارند». ویشر^۲ مدل تحقیقاتی را با نگاهی متفاوت نسبت به کاربران فضا در تبدیل نقش آنها از افراد غیرفعال

به افرادی فعال که عامل تغییر محیط هستند، پیشنهاد می‌کند (Carmona et al., 2015, 532). بنابراین باید هم از بالا و هم از پایین به آن نگاه کرد. از بالا، منظر اقتصاد سیاسی را داریم، جایی که نظام‌های پولی و قدرت در کارند تا محیط‌های مصنوع را پدید آورند و جایی که جستارهای علمی درکی عینی از فضای شهری به افراد ارائه می‌کنند (سازندگان و متخصصان عرصه شهری)؛ از پایین، منظر زندگی روزمره وجود دارد، در جایی که بی‌نظمی و خودجوشی می‌تواند چیره شود و جایی که رفتار انسان "در" و به هنگام استفاده از فضای شهری به آن معنا می‌بخشد (شهروندان). درگیری و تعامل آگاهانه و همراه با دانش عمومی مردم با فضاهای شهری می‌تواند موجب غنای فضا، غنای ادراک فضا و رشد و آگاهی مردم شود؛ چون همانگونه که بحث شد، انسان خود قسمتی از تجربه فضا است. از سوی دیگر، درک مشترک مردم می‌تواند موجب شکل‌گیری، تداوم و تعمیق خاطرات جمعی از محیط و از طریق آن، تعمیق احساس تعلق خاطر جمعی به محیط و جامعه و توسعه هویت‌مندی گردد. در این تحقیق کاربردی برای شکل دادن به عرصه‌ای که شهروند در آن احساس انبساط خاطر کند، به مطلوبیت فضا از نظر شهروندان به عنوان افراد و متخصصان توجه شد. با توجه به آنچه در مبانی نظری و پیشینه پژوهش در بیان خوانش کیفیات ادراک مکان رفت، رویکرد سنجش هنجارهای ادراکی و معنایی مکان از منظر مخاطبان و سازندگان فضا در چارچوب "مدل مفهومی" در فرایند بازآفرینی (نمودار شماره ۴) در نظر گرفته شد. تدوین "مدل مفهومی" به منظور ایجاد ارتباط میان مبانی نظری و روش‌شناسی پژوهش در پی پاسخ به سه سؤال اساسی است: ۱. چی بی‌رسم: پرسش‌های عملیاتی پژوهش، ۲. از کی بی‌رسم: شهروندان و متخصصان شهری و ۳. چگونه بی‌رسم: روش گردآوری و تحلیل داده. پاسخ هر یک از این سئوالات را می‌توان در بخش روش‌شناسی به تفصیل دنبال کرد. از این رو عرصه‌های شهری انسانی‌تر در پاسخ به نیازها و توقعات شهروندی ضمن لحاظ نمودن ضوابط ساخت شهری شاهد رویکرد بازآفرینی خواهد بود.



نمودار شماره ۴: مدل مفهومی پژوهش

- 1 Hubbard
- 2 Vischer

۳٫۱. روش شناسی تحقیق

ماهیت پژوهش پیش رو نظری - کاربردی و مقیاس آن در سطح شهری قابل رده بندی است. رویکرد آن، روش تحقیق "پیمایشی" نتایج حاصل از اطلاعات پژوهش، "تحلیل محتوا" و "مطالعه موردی" است. روش تحقیق پیمایشی - توصیفی است از نگرش و رفتار جمعیتی براساس نمونه ای تصادفی و معرف جامعه و پاسخ اعضای گروه نمونه به یک رشته از سئوالات که به دقت تدوین شده اند (Barati et al., 2014, 98). طرح مداخله در فضا در دیدگاه نخست نیازمند شناسایی محیط از دیدگاه کاربران و متخصصان و بازطراحی در چارچوب ضوابط است. دو شیوه کلی برای شناسایی محیط عبارت است از: ۱. ترسیم تصاویر ذهنی شهر: برای درک سازوکارهای شناخت ما از محیط و شیوه به یاد آوردن موارد آن. شیوه اصلی کار ترسیم نقشه ذهنی افراد از محیط است. ۲. دیدگاه زندگی روزمره: این دیدگاه مسائل را از پایین می بیند و بینش ها و امکانات جدیدی برای گذشتن از شکاف میان تولید و بازتولید و برای دیدن هستی به مثابه یک کلیت ارائه می کند (Kakavand et al., 2013, 103).

به منظور دستیابی به دیدگاه پاسخ دهندگان در ارزیابی فضا، جلب پیشنهادها و آنان به منظور اصلاح و بازآفرینی مجموعه و بازخوانی کیفیات ادراک مکان از دیدگاه شهروندان و متخصصان در عرصه شهری، پرسشنامه ای در سه بخش تدوین شد؛ در بخش نخست، موقعیت مکانی عناصر شاخص، نقاط قوت و ضعف و موارد آن بر روی کروکی محدوده از پاسخ دهندگان خواسته شد. بخش دوم در قسمت نخست، "در توصیف ادراکات ذهنی مخاطب"، مشتمل بر مجموعه ای از سئوالات باز است که چرایی پاسخ ها نیز از افراد خواسته شد. این بخش از آن نظر واجد ارزش است که جنبه هایی از محیط که از چشم پرسشگر دور مانده بود، از جانب مخاطبان مطرح شد. در قسمت دوم سئوالات، مجموعه ای از سئوالات بسته در طیف بورگاردوس با پاسخ هایی از رده مطلوب (۶) تا بغرنج (۱) امتیازات در اختیار پرسش شوندگان قرار گرفت که پرسش شونده بایستی گزینه گویای وضعیت مورد پرسش را علامت بزند. این نکته از نظر دور نماند که پیشنهادها ضمن بررسی امکان سنجی و لحاظ نمودن اهداف پژوهش، در بخش اقدامات و سیاست های طراحی لحاظ می شود.

۳٫۳. روش جمع آوری داده ها و اطلاعات

گردآوری اطلاعات به طور اعم با مرور اطلاعات موجود کتابخانه ای و به طور اخص در نمونه موردی از طریق مطالعات عمیق و ساختاریافته میدانی و پرسشنامه صورت پذیرفت. برای تدوین پرسشنامه، مؤلفه های کیفیت محیط شهری از دیدگاه صاحب نظران و پروژه های عملی طراحی شهری^۲، پس از گدگذاری مؤلفه ها در ابعاد عملکردی (کاربری، دسترسی و فعالیت)، کالبدی، ادراکی، معنایی و زیست محیطی انتظام یافت؛ و سنجه های ابعاد طراحی شهری و به عنوان زیربنای پژوهشی این مقاله، سنجه های ابعاد ادراکی و معنایی را به عنوان مؤلفه های دخیل در ارتقای ادراک فضایی مکان به دست داد (جدول شماره ۱).

در تکمیل پرسشنامه با استفاده از روش نمونه گیری تصادفی، نمونه ای ۱۷۰ تایی از دو گروه شهروندان و متخصصان برای مشارکت در امر ارزیابی محدوده مورد پژوهش و بازخوانی ادراکات ذهنی آنان از مجموعه انتخاب شدند.

۳٫۴. پیش آزمون و اعتبار تحقیق

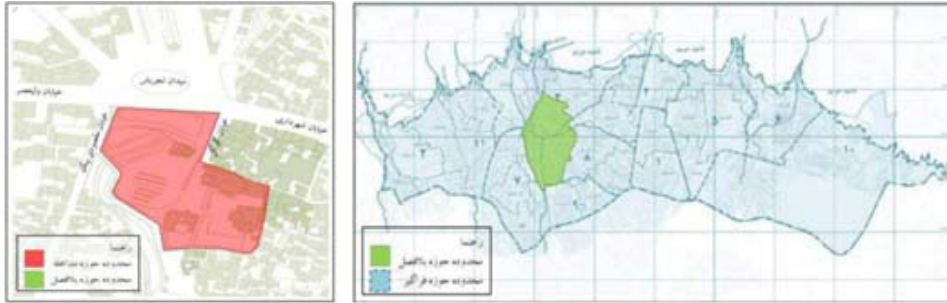
در مرحله پایلوت، پرسشنامه اولیه به وسیله نمونه ای کوچک (۳۵ نفر) از شهروندان و متخصصان تکمیل گردید. پایایی سئوالات پرسشنامه در بخش طیف بوگاردوس براساس آزمون آلفای کرونباخ تعیین شد که اعتبار نتایج پژوهش در زمان و مکان های مشابه را مشخص می کند (جدول شماره ۲). ضریب آلفای کرونباخ رقمی بین ۰/۱ است و اگر ارزیابی بالاتر از ۰/۷ باشد، پرسشنامه از پایایی لازم برخوردار است. مقدار آلفای محاسبه شده برای نمونه ۳۵ نفره مطالعاتی برابر ۰/۹۲ است که سطح بالایی از پایایی را نشان می دهد. بنابراین توصیف و آزمون روابط متغیرها از نظر علمی کاملاً معتبر است.

۲ برای تدوین پرسشنامه، سنجه های هنجارهای کیفی محیطی در بخش بیان دیدگاه صاحب نظران مشتمل بر جین جیکوبز، کوین لینچ (Behzadfar & Mahmoudi Kurdistani, 2010, 38)، ویولینچ (Golkar, 2014, 98)، کمیته مشورتی برنامه ریزی لندن (same, 107)، ای ین بنتلی و همکاران، راجر ترانسیک، کولمن (Golkar, 2001, 44)، آلن جیکوبز و دونالد اپلیارد، فرانسیس تیبالدو و جان پانتر، مایکل ساوت ورث (same, 45)، فرانسیس تیبالدو، گرین، برایان گودی (same, 46)، هاتن و هانتز، نلسن (same, 47)، جان پانتر و متیو کرمونا (RastBin et al., 2012, 39)، متیو کرمونا (same)، و جهان شاه پاکراد (Behzadfar & Mahmoudi Kurdistani, 2010, 38)؛ و در بخش پروژه های عملی طراحی شهری شامل برنامه ریزی توسعه شهری انگلستان توسط پانتر و کرمونا (Golkar, 2014, 111)، مروری بر هفتاد مورد برنامه طراحی شهری با چهل شهر ایالات متحده توسط مایکل ساوت ورث (Behzadfar & Mahmoudi Kurdistani, 2010, 38)، گروه طراحی شهری UDG، PPS، کمیسیون معماری و محیط مصنوع CUBE با همکاری وزارت حمل و نقل و مناطق شهری انگلستان (Bonakdar & DETR, 2011, 65)، و لیولین دیویس UDC (same, 63) است.

۳٫۲. جامعه آماری

جامعه آماری تعریف شده در این پژوهش مشتمل بر مخاطبان و متخصصان و سازندگان عرصه شهری با سطوح متفاوت آشنایی با محدوده است. از دیدگاه اپلیارد "افراد، سازمان ها و یا گروه هایی که گرچه به طور مستقیم از پروژه سود نمی برند اما قدرت نفوذ آنها از نظر اداری، مالی، معنوی یا سیاسی در موفق یا ناموفق بودن پروژه مؤثر است" (Pakzad, 2014, 178). با مدنظر قرار دادن نقش چند عملکردی مجموعه در ارتباط با حوزه فراگیر آن، (تصویر شماره ۱) و کارکرد حمل و نقل با طیف گسترده ای از افراد در دو قالب

۱ اپلیارد درباره تصاویر ذهنی مردم از شهر، واژه "به یاد آوردن" را به کار می برد. ر.ک. به Pakzad, 2014, 169.



تصویر شماره ۱۰: محدوده حوزه فراگیر، حوزه نفوذ بلا فصل و حوزه مستقیم مداخله

جدول شماره ۱۰: سنجه‌ها و هنجارهای کیفی ابعاد ادراکی و معنایی طراحی شهری

سنجه‌های هنجارهای کیفی ابعاد ادراکی - معنایی	هنجار کیفی ادراکی و معنایی فضای شهری
پاسخ دهنده‌گی مکان	ادراک بصری
شامل تناسبات بصری، خوشایندی بصری، تناوب بصری، تمرکز بصری، تزیینات، هنر	تعامل ذهنی با محیط
شامل گشودگی، مقیاس انسانی، محصوریت فضاها، ایجاد انگیزش از طریق ایجاد فرم‌های شهری متباین، امنیت، طراحی برای پیاده، محیطی برای همه	
شامل انسجام، وحدت، پیوستگی (لبه‌ها)، تعادل، سازگاری، هارمونی و هماهنگی	نظم
شامل کیفیت کریدورهای دید، نفوذپذیری بصری، چشم‌اندازها، کنترل محورها و پرسپکتیوها	دید و منظر
قرائت پذیری محیط، خوانایی، وضوح، نشانه و علائم	خوانش
انعطاف پذیری، سرزندگی و هیجان انگیزی، رنگ تعلق، غنای حسی، امکان شخصی سازی مکان	معناداری ارتباطی
شامل حفاظت تاریخی و مرمت شهری، شکل دادن به کانون‌ها، شخصیت، اصالت و معنا، هویت، ماندگاری، تزیینات، هنر، حس مکان	هویت

جدول شماره ۲: آلفای کرونباخ محاسبه شده در سنجش پایایی هنجارهای ادراکی و معنایی مکان

هویت	معناداری ارتباطی	خوانش	دید و منظر	نظم	تعامل ذهنی با محیط	ادراک بصری	هنجارهای ابعاد ادراکی و معنایی مقدار آلفای کرونباخ
۰/۸۴۳	۰/۸۰۷	۰/۸۸۵	۰/۳۴۴	۰/۸۵۵	۰/۶۸۸	۰/۸۴۲	

باشد، درجه ادراک هوشیارانه و تفکر بصری فعال نیز بیشتر است (Bell, 2015, 75). ادراکات و احساسات ما از فضا در ذهن، مکانی دارند که در مواجهه با مکان واقعی بیرونی حکم تداعی کننده‌ها را بازی کرده و سبب آشنایی با مکان می‌شوند (Kakavand et al., 2013, 102). بنابراین این مسئله مطرح می‌شود که میزان آشنایی افراد در دفعات برخورد آنها با فضا و شکل‌گیری تعاملات میان مخاطب و مؤلفه‌های سازنده فضا در محیط واقع، بر سطح ارزیابی کیفی آنان مؤثر بوده و با وقوع کنش‌های فضایی، درجه آگاهی ذهنی فرد نسبت به نقاط قوت و ضعف فضا و میزان کامیابی مجموعه مورد سنجش در دستیابی به شاخص‌های پاسخ‌دهندگی به خواسته‌های مخاطب ارتقا یافته و قیاس ذهنی - تطبیقی "کارکرد مکان" در وضعیت موجود و توقعات موضعی - موردی نتایج متفاوت را در بر خواهد داشت.

در پژوهش حاضر، میزان آشنایی پاسخ دهنده با محدوده مورد پژوهش در بخش مشخصات فردی، نتایج حاصل از جداول بخش دوم پرسشنامه را به سوی کنکاشی در یافتن ارتباط فراوانی نسبی به دست آمده برای هنجارهای کیفی و میزان آشنایی با محیط رهنمون ساخت (نمودار شماره ۵): در سطح "بدون آشنایی"

۱ از دیدگاه شولتز اصطلاح "کارکرد مکان" تنها به کاربرد ساختمان‌ها و مکان‌های زندگی و فعالیت آدمی، بلکه به خود کاربرد مکان همچون یک کلیت اشاره دارد (Pakzad, 2014, 120)

هنجارهای با مقادیر کمتر از ۰/۶ فاقد اعتبار تشخیص داده شده و بایستی در مدل سازی حذف شوند. مقدار نامعتبر آلفای کرونباخ را در هنجار "دید و منظر" می‌توان با توجه به جدول سلسله مراتبی نیازهای مازلو، در ضرورت پاسخ‌دهندگی فضا به نیازهای فیزیکی - عملکردی و روانی در گام نخست و پس از ارضای متوسطی از اینها، توجه به مباحث زیباشناسانه فضا دانست. در ارزیابی کلیت یک فضا نیز تا زمانی که نیازهای نخستین فرد در مواجهه با عرصه عمومی پاسخ داده نشود، فرد قادر به دستیابی به ادراک سطوح بالاتری از کیفیات محیطی نخواهد بود.

۴. بحث و یافته‌ها

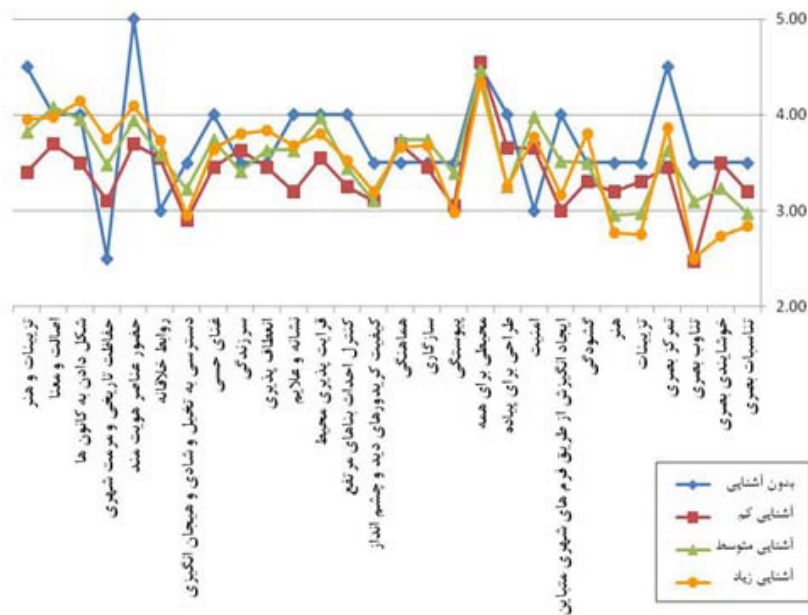
۴.۱. یافته‌های پژوهش

شولتز با تکیه بر فلسفه هایدگر - فضائیت وجود انسان - اصطلاح "فضای وجودی" را مطرح می‌کند که مبتنی بر جنبه‌های ادراکی رابطه انسان و محیط است. وی برای فضای وجودی انسان دو شکل قائل است: "فضای وجودی خصوصی" که ذهنیت انسان از پیوندهای فضا است که ویژه خود اوست و "فضای وجودی همگانی"، جنبه‌های میان فضایی که در ذهنیت همه شهروندان از فضا مشترک است. فضای وجودی خصوصی طی تحول ذهنی از راه تعامل میان فرد و محیطش شکل گرفته و تکوین می‌یابد (Pakzad, 2014, 104-107). هرچه دخالت ناظر در منظر بیشتر

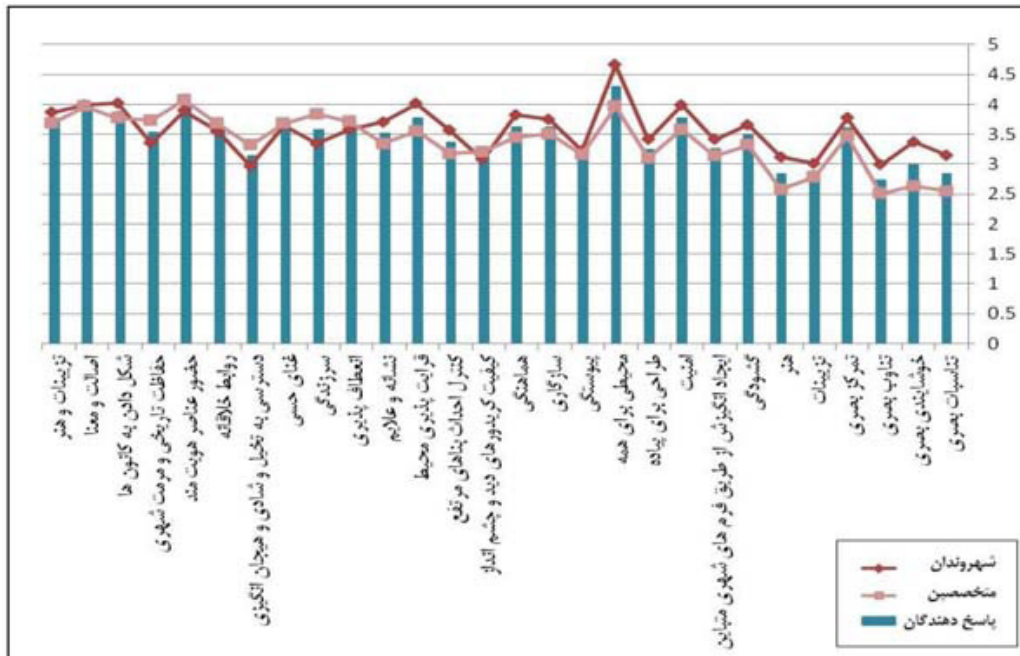
توقعات افراد در مواجهه با فضا در سطح توقعات عام یک فضای شهری و بسنده صرف به پویایی عملکردی، سرزندگی اجتماعی و هویت مکانی در ارزیابی یک مجموعه باقی می ماند. در سطوح پایین تر آشنایی با دفعات مراجعه سالانه و ماهانه، درک مسائل و شناخت ابعاد فضا به صورت سطحی انجام می پذیرد و این آشنایی محدود، امکان برخورد با مسائل جاری در لایه های زیرین فضا را فراهم نمی کند. تجربه مسائلی همچون بروز رفتارهای نابهنجار در حاشیه رود، جز با مراجعه به آن و یا مشاهده رفتارهای جاری در مقابل ورودی امامزاده در نیمه های شب جز به وسیله حاضران در فضا صورت نمی پذیرد. برخورد سطحی با فضا و عدم دستیابی به تجارب حاصل از حرکت در بخش های مختلف مجموعه امری است که با دفعات برخورد سالانه با مراجعه مقصدی به امامزاده صالح حاصل نمی شود. این امر نیازمند واکوی لایه های مختلف فضایی در دستیابی به عناصر تاریخی بستر مجموعه، حرکت فعال در مجموعه، برقراری ارتباط بصری فعال با جداره های شکل دهنده فضاست تا زمینه ساز شناسایی و تحلیل شکل بندی و تناسبات نما، مشاهده عناصر موزون و هماهنگ، امکان جلب توجه به یک عنصر و یا محل خاص، تشویق بدنه به حرکت در فضا، سازگاری فعالیت های جاری در فضا با ماهیت مجموعه، وجود مناظر و چشم اندازهای مطلوب، وجود عناصر و نشانه های هدایت کننده، امکان دستیابی به تجارب غنی حسی، امکان تشکل گیری خلاقیت در روابط اجتماعی، برگزاری مراسم و شکل گیری کانون های فعالیتی مردمی، وجود مظاهر و نشانه های هویت ملی و مذهبی در شمایل و ظاهر مجموعه و امکان شکل گیری عملکردهایی غیر از آنچه هست

نتایج پرسشنامه از طریق بازخوانی "فضای وجودی عمومی" پاسخ دهندگان در چارچوب جمع بندی یافته ها و تحلیل نمودارها حاکی از آنست که سنجش شهروندان از محدوده پژوهش در

وضعیت مناسب تری نسبت به متخصصان قرار دارد. در نمودار ارزیابی سنجه های هنجارهای کیفی ابعاد ادراکی و معنایی از دیدگاه پاسخ دهندگان (نمودار شماره ۶)، مجموعه سنجه ها در بازه امتیازی ۴/۵-۳ قرار می گیرد. با توجه به تعریف صورت گرفته از اعداد، عدد ۳ معرف "متوسط متمایل به بد"، ۴ بیانگر "متوسط متمایل به خوب"، ۵ نشانگر "خوب" است. بنابراین ارزیابی پاسخ دهندگان در بازه "متوسط متمایل به بد" تا ضعیف تر از "خوب" قرار می گیرد. این سنجش معیارهای مجموعه، گویای ارزیابی فضا در حد متوسط است و موقعیت کلیت مجموعه در پاسخ دهندگی به توقعات موضعی و موردی فضا را تأیید نمی کند. شاید بتوان علت این امر را در هرم سلسله مراتبی نیازهای مازلو جست و جو کرد. در این هرم از پایین به بالا به ترتیب نیازهای جسمانی، نیاز به ایمنی، نیاز به تعلق داشتن و عشق، نیاز به حرمت و نیاز به خود شکوفایی قرار می گیرد. نیازهایی که در پله های پایین تر نردبان انگیزشی هستند، باید پیش از نیازهایی که در پله های بالاتر نردبان قرار دارند، ارضا شوند. ارضای نیازهای رده بالاتر بیشتر مستلزم شرایط بیرونی بهتر است تا ارضای نیازهای رده های پایین تر. مازلو از درصد نزولی ارضای نیازها وقتی در سلسله مراتب بالاتر می رویم، سخن می گوید (Pakzad, 2016, 33). کار و همکاران اظهار می دارند که علاوه بر معنادار بودن (اجازه دادن به مردم در برقراری ارتباطات قوی) و دموکراتیک بودن (حفظ حقوق تمامی استفاده کنندگان و قابل دسترس بودن فضا برای همه گروه ها و فراهم کردن آزادی در عمل) فضاهای شهری باید پاسخگوی پنج نیاز اولیه باشند: نیاز به راحتی (راحتی ناشی از عوامل زیست محیطی، راحتی فیزیکی و راحتی اجتماعی و روانی)، آسایش، درگیر شدن غیرفعال با محیط، درگیر شدن فعالانه با محیط و امکان کشف محیط Carmona et al., 2015, 328).



نمودار شماره ۵: قیاس کمی سنجه های هنجارهای ابعاد ادراکی و معنایی محدوده مورد ارزیابی با توجه به میزان آشنایی پاسخ دهندگان با آن



نمودار شماره ۶: قیاس کمی سنجه‌های ادراکی و معنایی محدوده مورد ارزیابی از نگاه پاسخ دهندگان (شهروندان و متخصصان)

مبنای سنجه‌ها و تدوین اصول طراحی، اهداف خرد طراحی و سیاست‌های اجرایی طراحی رهنمون می‌سازد.

۴.۲. "تصور آینده" قلمروی تحقیق

آینده قلمروی پژوهش، به منظور پاسخ به این پرسش تدوین می‌شود که مجموعه در آینده با بهره‌گیری از امکاناتش چه خواهد شد؟ در تصور کیفیت فضای محقق شده، از دیدگاه ذی‌نفعان (مردم و کارشناسان) می‌توان آن را چنین تصویر کرد: "مجموعه شهری امامزاده صالح تجریش، در بستری واجد پیشینه تاریخی، هسته‌ای اجتماعی است با چندمنظورگی عملکردی و عناصر کالبدی مبین این هویت برای همه گروه‌ها، که از طریق کالبد وحدت آفرین (نظم)، تنوع در عملکرد در عرصه‌ای به محوریت پیاده، سعی در نقش‌انگیزی معنادار ارتباطی با مخاطب، ارتقای قرائت‌پذیری عناصر ساختار فضایی و روابط فضایی موجد مکان، ارتقای ادراک بصری و بهبود تعامل ذهنی ناظر با محیط دارد."

۴.۳. تدوین اهداف

از آنچه که در "بیان آینده ایده‌آل محدوده پژوهش" عنوان شد، می‌توان اهداف طرح را چنین برشمرد:

- بهبود ادراک بصری مکان و انگیزش مخاطب در برقراری تعامل ذهنی با محیط
- ایجاد محیطی پیاده مدار واجد نظم کالبدی - بصری
- تقویت هویت و زمینه‌گرایی محیط، خوانایی و ارتقای قابلیت قرائت‌پذیری
- خلق فضا به مثابه صحنه‌ای برای بروز زندگی اجتماعی و تجربه غنی حضورپذیری در مکانی واجد معناداری ارتباطی و ارزش‌های شهروندی

اشارات پاسخ دهندگان گویای اولویت اهمیت مظروف و کیفیات درون فضایی فضا نسبت به توده کالبدی تعریف کننده فضای شهری از دیدگاه آنان است. بنابراین هنجارهای "ادراک بصری"، "تعامل ذهنی با محیط"، "نظم"، "خوانش" و "هویت" از منظر آنها در جایگاه بالاتری نسبت به سنجه‌های تخصصی قرار می‌گیرد. در سنجه کلی هر هنجار، آنان ارزیابی قلمرو پژوهش را در سطحی کمتر از متوسط مایل به خوب می‌دانند. در حالی که از دیدگاه متخصصان ظرف کالبدی از جهت برخورداری از تناسب کالبدی واجد اولویت و اهمیت است. در خصوص هنجار "معناداری ارتباطی" که به سنجه‌های انعطاف‌پذیری، سرزندگی، غنا حسی، هیجان‌انگیزی و روابط خلاقانه اشاره دارد، شهروندان کلیت مجموعه را در وضعیت با سطح کیفی پایین‌تر از متخصصان ارزیابی کردند و این گویای ناتوانی فضا در ارائه پتانسیل‌های بروز رفتارهای اجتماعی مورد انتظار مخاطب در فضا است. از این رو توجه به ابعاد اجتماعی - فعالیتی فضا در سنجه کیفیت فضا از نظر شهروندان پررنگ تر بوده است؛ در حالی که کارشناسان بیشتر متوجه شاخص‌های کمی و کالبدی اند. فصل مشترک کیفیت محیطی حاصل از ادراکات ذهنی شهروندان و هنجارهای کیفی مدنظر طراحان شهری در ارتقای فضای شهری می‌تواند گویای کیفیات پاسخ‌دهندگی مکان به طیف وسیع مخاطبان و طراحان فضا باشد. بدین ترتیب، پیش گرفتن روشی که طی آن نظر کارشناسان و مصرف‌کنندگان نهایی فضا به یکدیگر نزدیک شود، باید در دستور کار دست‌اندرکاران ساماندهی فضاهای شهری قرار گیرد.

با توجه به مطالعاتی که صورت پذیرفت، "تصور آینده" محدوده پژوهشی، ما را به بیان مجموعه‌ای از اهداف در راستای سنجه‌های هنجارهای کیفی ابعاد ادراکی - معنایی پاسخ‌دهندگی محیطی، ارائه آلت‌رناتیوهای برآورنده اهداف، ارزیابی آلت‌رناتیوها بر

۴.۴. تدوین اصول طراحی، اهداف طراحی و سیاست‌های

اجرائی

از میان سنجه‌های ۲۵ گانه هنجارهای کیفی ادراک و معنا، بر مبنای تصویر آینده مجموعه سنجه‌های "تناوب بصری"، "تمرکز بصری"، "مقیاس انسانی"، "طراحی برای پیاده"، "پیوستگی"، "قرائت پذیری و خوانایی"، "سرزندگی و هیجان‌انگیزی"، "حضور عناصر هویت مند"، "اصالت و معنا"، و "شکل دادن به کانون‌ها" به عنوان اصول مطرح در ارائه الترناتیوها در نظر گرفته شد. در انتخاب الترناتیو بهینه از طریق تکنیک امتیازدهی "بولر" هنجارهای کیفی به عنوان اهداف کیفی از طریق سنجه‌های مرتبط با هنجارها مورد استفاده قرار گرفتند. امتیاز منظور شده برای مناسب‌ترین وضعیت ۵ تعریف شد. شرح کامل الترناتیوهای برآورده اهداف و ارزیابی الترناتیوهای بر مبنای سنجه‌ها را می‌توان در رساله نویسنده مورد مطالعه قرار داد. الترناتیو بهینه زمینه

تدقیق اصول خاص طراحی، اهداف و سیاست‌های اجرایی را فراهم می‌کند. از این رو جداول اصول طراحی، اهداف خرد و سیاست‌های طراحی گویای سیاست‌های خاص اجرایی در عرصه طراحی و قابل تعمیم به موقعیت عرصه‌های شهری است.

هدف شماره ۱: بهبود ادراک بصری مکان و انگیزش مخاطب در برقراری تعامل ذهنی با محیط (جدول شماره ۳).

هدف شماره ۲: ایجاد محیطی پیاده مدار واجد نظم کالبدی-بصری (جدول شماره ۴).

هدف شماره ۳: تقویت هویت و زمینه‌گرایی محیط، خوانایی و ارتقای قابلیت قرائت پذیری (جدول شماره ۵).

هدف شماره ۴: خلق فضا به مثابه صحنه‌ای برای بروز زندگی اجتماعی و تجربه غنی حضورپذیری در مکانی واجد معناداری ارتباطی و ارزش‌های شهروندی (جدول شماره ۶).

جدول شماره ۳: اصول طراحی، اهداف خرد و سیاست‌های اجرایی هدف (۱) طراحی.

اصول	هدف خرد طراحی	سیاست‌های اجرایی
ادراک بصری	خوشایندی بصری	<ul style="list-style-type: none"> به کارگیری رنگ و مصالح مناسب در کف‌سازی
	تناوب بصری	<ul style="list-style-type: none"> ایجاد توالی فضایی
	تمرکز بصری	<ul style="list-style-type: none"> تأکید بر مرکزیت از طریق تجمع گروه‌های انسانی تأکید بر مرکزیت از طریق عوامل کالبدی
	تزیینات، هنر	<ul style="list-style-type: none"> خلاقیت در فرم سازه میان فضای مجموعه علیرغم تأثیرپذیری از فرم گنبد معماری ایرانی
تعامل ذهنی با محیط	انگیزش	<ul style="list-style-type: none"> وضوح در طول مسیر
	مقیاس انسانی	<ul style="list-style-type: none"> تداوم و یکپارچگی در بدنه فضا محصوریت
	امنیت	<ul style="list-style-type: none"> ایجاد امکان دیده شدن فضا به وسیله شهروندان از بدنه‌های منتهی به آن. ایجاد جداره‌های با تخلخل بصری برای افزایش نفوذپذیری بصری و رؤیت پذیری از معابر و فضاهای پیرامون صحنه امامزاده به آن. تعریف مشخص لبه‌ها از طریق پوشش گیاهی و رواق‌های با معماری متأثر از زمینه.
	طراحی برای همه	<ul style="list-style-type: none"> ایجاد امکان استفاده همزمان گروه‌های مختلف از فضا. القای امنیت حضور زنان، کودکان و سالم‌خوردگان از طریق سادگی فرم، پایداری فعالیت و معنای ضمنی دعوت‌کنندگی فضا. طراحی همجواری مناسب فعالیت گروه‌های مختلف اجتماعی در فضا.
	طراحی برای پیاده	<ul style="list-style-type: none"> تنوع در ساعات استفاده از فضا کاهش آلودگی‌ها (دیداری، شنیداری و بویایی)
		<ul style="list-style-type: none"> اولویت بخشیدن به حرکت پیاده و ممانعت از حرکت اتومبیل در نواحی با پتانسیل انسانی. مکانیابی فضاهایی برای نشستن.

جدول شماره ۴: اصول طراحی، اهداف خرد و سیاست‌های اجرایی هدف (۲) طراحی

اصول	هدف خرد طراحی	سیاست‌های اجرایی
پیوستگی	<ul style="list-style-type: none"> پیوستگی فعالیتی یا به حداقل رساندن تفکیک فضایی و ایجاد مرزهای نرم میان حوزه‌های فعالیت 	<ul style="list-style-type: none"> پیش بینی عناصر ارتباط سطوح مثل پله‌ها و رمپ‌ها. عدم تفکیک خردفضاها توسط عوامل کالبدی صلب مانند دیوار. عدم تفکیک فعالیت‌ها توسط موانع فیزیکی. ایجاد امکان اشتراک فعالیت‌های مختلف در یک فضا. ایجاد امکان درگیر شدن همزمان در فعالیت‌های مختلف در فضا.

جدول شماره ۵: اصول طراحی، اهداف خرد و سیاست‌های اجرایی هدف (۳) طراحی

اصول	هدف خرد طراحی	سیاست‌های اجرایی
قرائت پذیری و خوانایی	<ul style="list-style-type: none"> ایجاد توسعه‌های دروازه‌ای، نشانه‌ها و برجسته‌سازی نقاط مهم 	<ul style="list-style-type: none"> محدود کردن نشانه‌ها به محل‌های مهم منظر شهری در جهت عمل کردن آنها به عنوان علائم هدایت کننده. تقویت نشانه‌های مغشوش شده بصری مانند مسجد فاطمیه.
نشانه‌ها و علائم	<ul style="list-style-type: none"> تشخص فرمی نقش‌انگیزی ذهنی، معناداری مکان‌ها و حس تعلق 	<ul style="list-style-type: none"> شاخص نمودن پل اجتماعی یادآور خاطرات جمعی. تقویت عناصر شاخص و نشانه‌های شهری.
تطابق بیشتر معماری ابنیه با زمینه و معماری بومی	<ul style="list-style-type: none"> حفظ هویت و زمینه گرایی 	<ul style="list-style-type: none"> نگهداری ابنیه تاریخی، سردرهای قدیمی، نماهای با ارزش. استفاده از عناصر معماری دوره‌های مختلف در طراحی ابنیه شاخص. احیای تشخص مذهبی کالبد (مسجد فاطمیه) با بخشیدن معماری اسلامی بدان.
حضور عناصر هویت مند	<ul style="list-style-type: none"> حفظ کالبد واجد ارزش و هویت تاریخی حفظ نشانه‌ها و پاتوق‌ها 	<ul style="list-style-type: none"> احیای معماری و ساختار ابنیه تاریخی، سردرهای قدیمی، نماهای با ارزش، پاتوق‌ها، اماکن خاطره‌انگیز. تقویت جایگاه نشانه‌های تاریخی. به کارگیری عناصر بومی و آشنا و هماهنگ با زمینه.
اصالت و معنا	<ul style="list-style-type: none"> احیای هویت چنار امامزاده تقویت سبک معماری اسلامی جداره‌ها تقویت جایگاه عناصر طبیعی مانند پوشش گیاهی، رود یا درخت کهنسال ایجاد محصوریت فضایی از طریق عناصر نرم و سخت 	<ul style="list-style-type: none"> ارتباط فضاها با هم و بهره‌گیری از ضوابط معماری بدنه درتبدیل فضاها. شناخت و برجسته سازی ارزش‌های نهفته بدنه‌ها و فضاها در احیای اصالت عناصر و ارتقای معنای فضا (مانند انعکاس عکس چنار کهن امامزاده بر روی قاب‌های تعبیه شده بر روی جداره ضلع شمالی صحن امامزاده). ایجاد محصوریت در جبهه جنوبی فضای میانی از طریق رواق‌هایی با عناصر معماریانه زمینه‌گرا.
شکل دادن به کانون‌ها	<ul style="list-style-type: none"> خلق و تقویت قرارگاه‌های رفتاری 	<ul style="list-style-type: none"> بازتعریف پاتوق‌ها و فضاها و جمع‌کردن میانه فضا و در محل پل اجتماعی روی رود.

جدول شماره ۶: اصول طراحی، اهداف خرد و سیاست‌های اجرایی هدف (۴) طراحی

اصول	هدف خرد طراحی	سیاست‌های اجرایی
سزندگی و هیجان انگیزی	<ul style="list-style-type: none"> نورپردازی مناسب در فضا دسترسی فعالیت‌های مهیج امکان حضور آسان در فضا برای شهروندان 	<ul style="list-style-type: none"> فعالیت عصارانه خیابان و اجتناب از خالی ماندن پس از ساعات کاری و اختلاط کاربری ایجاد کاربری‌های فعال در جداره و سرریز فعالیت در فضا برقراری شرایط آسایش زیست محیطی از طریق رواق‌ها و آلاچیق‌ها
روابط خلاقانه	<ul style="list-style-type: none"> آزادی فعالیت انسان در فضا 	<ul style="list-style-type: none"> ایجاد امکان گزینش محل‌های مختلف برای انجام یک فعالیت در فضا ایجاد فضاهای بیرونی جذاب و افزایش امکان رخداد فعالیت‌ها در جهت تشویق مراودات اجتماعی

می‌کند. می‌توانیم فضا را تجربه‌ای فردی تلقی کنیم که حاصل فرایندهای ادراکی او و نیز نسبت دادن معانی خاص از سوی او به کلیت، اجزا و ارتباطات بین آن اجزا در فضاست. بنابراین بدیهی است افراد مختلف از محیط یکسان تصاویر متفاوتی در ذهن داشته باشند. تجربیات فرد، فرم محیط، نحوه نگرش و احساسات ناظر و میزان انعطاف پذیری تصور بصری او از عوامل مؤثر بر این تمایز است. ادراک انسان از محیط و به دنبال آن شکل‌گیری

۵. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

فضای شهری عرصه ظهور گفتمان اجتماعی در بستری واجد مؤلفه‌های پاسخ‌دهندگی به کیفیات مکان است. علم به این موضوع که عرصه شهری امروز فاقد کیفیات مکانی است که آن را به عنوان فضایی شهری در خاطره شهروندان به ظهور برساند، ضرورت بازآفرینی آن را به منظور رسیدن به کیفیات مکانی مطرح

تصویری از محیط متأثر از شکل فضایی و کیفیات قابل ارائه از سوی منظر و خاطرات و تجربیات فردی است؛ به عبارتی جریانی است دو جانبه میان ناظر و منظره مورد مشاهده. این مهم از گام نخست شناخت ابعاد محیط، طرح پرسش و تکنیک‌های مورد توجه و کاربری، چشم‌اندازسازی یا "تصور آینده" قلمروی پژوهش، تدوین اهداف، ارائه آلترناتیوها و بهینه‌بایی حاصل از ارزیابی در چارچوب هنجارهای کیفی ادراکی - معنایی مکان، تدوین اصول طراحی، اهداف طراحی و سیاست‌های اجرایی مدنظر قرار گرفته است.

در چارچوب تفکر "طراحی کثرت‌گرا و مشارکت‌جو" مطالعات کسانی مانند لینچ، اپلیارد و در ایران، مطالعات رفتاری بحرینی، ضرورت خوانش ادراک شهروندان از محیط و تکنیک‌ها و روش‌های مشارکت شهروندی در طراحی شهری را به عنوان امری غیرقابل اقصاء مطرح می‌کند. رجوع به آرای اندیشمندان چارچوبی نو در مدل‌سازی مفهومی پژوهش را پیش روی قرار می‌دهد. اپلیارد در پی آگاه ساختن مردم و حرفه‌مندان نسبت به تفاوت درکشان از شهر با ابزار یا شیوه‌ایست که آنان به شهر می‌نگرند. این پژوهش یک گام فراتر نهاده و از مطالعات پیشینه‌ای در قالب استخراج کروکی از طریق خوانش ادراک شهروند پیاده در تحقیق لینچ و ناظر سواره در پژوهش مشترک اپلیارد، لینچ و مایر در "دید از جاده" گذر کرده و به بررسی ادراک شهروندان و متخصصان عرصه شهری به صورت عام در قالب هنجارهای "ادراک بصری"، "تعامل ذهنی با محیط"، "نظم" و "کیفیت دید و منظر" از بُعد ادراکی و با در نظر گرفتن درهم‌تنیدگی ابعاد ادراکی و ابعاد معناداری محیط، هنجارهای "خوانش"، "معنای ارتباطی" و "هویت" از بُعد معنایی و به صورت اخص سنجه‌های هر یک از هنجارها می‌پردازد. مؤلفه‌های ادراک بصری (شامل سنجه‌های تناسب بصری، خوشایندی بصری، تناوب بصری، تمرکز بصری، تزئینات، هنر)، تعامل ذهنی با محیط (شامل گشودگی، مقیاس انسانی، محصوریت فضاها، ایجاد انگیزش از طریق ایجاد فرم‌های شهری متباین، امنیت، طراحی برای پیاده، محیطی برای همه)، نظم (شامل انسجام، وحدت، پیوستگی (لبه‌ها)، تعادل، سازگاری، هارمونی و هماهنگی)، خوانش (قرائت‌پذیری محیط، خوانایی، وضوح، نشانه و علائم)، معناداری ارتباطی (انعطاف‌پذیری، سرزندگی و هیجان‌انگیزی، رنگ‌تعلق، غنای حسی، امکان شخصی‌سازی مکان) و هویت (شامل حفاظت تاریخی و مرمت شهری، شکل دادن به کانون‌ها، شخصیت، اصالت و معنا، هویت، ماندگاری، تزئینات، هنر، حس مکان) مؤلفه‌های ارتقای ادراک فضایی هستند که در ارتباط با ناظر و طراح، محیط را مورد ارزیابی قرار می‌دهند.

جدول قیاس کمی سنجه‌های هنجارهای کیفی در ابعاد ادراکی و معنایی از نظرگاه شهروندان و متخصصان عرصه شهری گویای تفاوت در دیدگاه‌های این دو گروه پاسخ‌دهندگان است. متوسط ارزیابی شهروندان از محدوده مورد پژوهش در بازه ۴-۳ و متوسط ارزیابی متخصصان در بازه ۴-۲/۵ است. ارزیابی سنجه‌های هنجارهای کیفی "ادراک بصری"، "تعامل ذهنی با محیط"، "نظم" و "خوانش" از دیدگاه متخصصان در سطحی پایین‌تر از شهروندان است. لیک در ارزیابی سنجه‌های هنجارهای کیفی

"معنای ارتباط"، ارزیابی شهروندان مطلوبیت کمتری را نسبت به متخصصان نشان می‌دهد. مقایسه هنجارهای کیفی از دیدگاه این دو گروه نیازمند قیاس موردی هر یک از سنجه‌هاست. این امر می‌تواند ناشی از معیارهای متفاوت ارزیابی مکان نزد شهروندان و متخصصان باشد. به عنوان نمونه، ارزیابی سنجه "تناسبات بصری" در محدوده مورد مطالعه واجد ضوابط و معیارهایی تعریف شده نزد متخصصان عرصه شهرسازی^۱ اما این سنجه از نظرگاه شهروندان بر مبنای خوشایندی بصری مورد قضاوت قرار می‌گیرد. پرمسلم است سنجش کیفیات یک فضا در انطباق تصاویر ذهنی آن در پیشگاه پاسخ‌دهنده متخصص در عرصه شهری با ضوابط و معیارهای ارائه شده از سوی اندیشمندان صورت می‌پذیرد. درک متخصص از ضوابط عرصه عمومی و قیاس ذهنی آنها با موقعیت مورد پژوهش، تفاوت فاحش میان وضعیت ایده‌آل و واقع را می‌نمایاند. عدم موفقیت یک فضای شهری در پاسخ‌دهندگی به کیفیات زیبایی‌شناسانه، بصری و بیان صرف نقش آن در قالب مؤلفه‌های عملکردی، گویای ناکارآمدی فضا در پرورش تنوع و گوناگونی وقایع انسانی و شکل دهی کانون‌های اجتماعی، ضمن پاسداشت عناصر هویت‌مند زیست محیطی و ارائه طرح بستر متناسب با بافت و عملکرد دارای پیشینه تاریخی و جایگاه تعریف شده آن در طرح‌های فرادست است. شاید بتوان دلیل دیگر بر این امر را پاسخ شهروندان به پرسش نخست پاسخنامه دانست: "کدامیک از ابعاد مجموعه مورد مطالعه دارای اهمیت بیشتری است؟" غلبه بعد عملکردی و دسترسی از نظر شهروندان گویای ناتوانی سایر ابعاد در طرح وضعیت موجود در بازنمایی جایگاه خود در تصویر ذهنی مخاطب است. اغتشاش بصری، حرکتی و فضایی موجود در بخش‌هایی از مجموعه، مانع از برجسته‌سازی ابعاد کالبدی و زیست محیطی در تصویر ذهنی پاسخ‌دهنده می‌شود.

این پژوهش نگاه متخصصان را به عنوان نگرشی "بر" فضا با شناخت ادراک شهروندان در دستیابی به ارزیابی ذهنی از مکان ضمن توجه به زمینه عینی، در تحلیل یکپارچه و استفاده از پیشنهادها پرسش شونده‌گان متمایل می‌سازد. از این رو آفرینش عرصه‌های شهری انسانی‌تر را، در پاسخ به نیازها و توقعات شهروندی ضمن لحاظ نمودن ضوابط ساخت شهری شاهد خواهیم بود. آنچه در قالب این پژوهش به دست آمد آن بود که علاوه بر مؤلفه‌های به دست آمده در مبنای نظری که کاملاً مصداق آنها در این مطالعه دیده شد، ادراکات شهروندان و متخصصان در عرصه شهری را در موضعی واحد مورد سنجش قرار داده و با شناخت سنجه‌ها و زیرسنجه‌های هنجارهای کیفی ابعاد ادراکی - معنایی پاسخ‌دهندگی محیطی، تدوین اصول طراحی، اهداف طراحی و سیاست‌های اجرایی طراح و سیاست‌ها، مبنای بازآفرینی فضای شهری قرار گرفت.

۱ به عنوان مثال، بتلی عنوان می‌کند تعبیر و تفاسیر از یک مکان مناسب بصری ایجاد می‌کند که می‌تواند پاسخ‌دهندگی را در سه سطح تقویت کند: خوانایی در فرم و عملکرد، گوناگونی، انعطاف‌پذیری در مقیاس‌های بزرگ و کوچک (Bentley et al., 2017, 227). وی برای بررسی تناسب در نما، ابزارهای زیر را بر می‌شمارد: ریتم‌های افقی و عمودی، خطوط آسمان، جزئیات دیوار، پنجره‌ها، درها، و اجزای عناصر همکف (Bentley et al., 2017, 241).

- physical, social and perceptual components to Approach of making place. *Journal of Architecture and Urban planning*, 3(6): 51-70. [in Persian]
- Carmona, M., Heath, T., Oc, T. & Tiesdell, S. (2015). *Public Places Urban Design Place* (3th ed). (F. Gharaei., M. Shokouhi., Z. Ahari. & E. Salehi, Trans.). Tehran: University of Art Press. (Original work published 2004). [in Persian]
 - Danesh, A.R. & Basiri Mazhdi, R. (2008). *Charter of the New Urbanism*. Tehran: Publications processing and urban planning. [in Persian]
 - Golkar, K. (2014). *Creating Sustainable Place: Reflections on Urban Design Theory Place* (2th ed). Tehran: Shahid Beheshti University Press. (Original work published 2011). [in Persian]
 - Golkar, K. (2001). *Manufacturer Component of Urban Design Quality*. Soffeh: *Journal of The School of Architecture and Urban planning at Shahid Beheshti University*, 32: 38-65. [in Persian]
 - Habibi, M. & Maghsudi, M. (2016). *Urban Renovation* (8th ed). Tehran: University of Tehran Press. (Original work published 2013). [in Persian]
 - Kakavand, E., Barati, N. & Aminzadeh Goharrizi, B. (2013). *Comparative Assessment of Mental Image of Citizens with Planners to Quality of the Urban Environment (Case study: Qazvin Distressed Area)*. *BAGH-E NAZAR: Journal of NAZAR Research Center (NRC)*, 10(25): 101-112. [in Persian]
 - Karimi Yazdi, A, Barati, N. & Zarei, M. (2017). *Comparative Assessment of people's and experts' perception of urban space (Case study of urban collection of Emamzadeh Saleh, Tajrish, Tehran)*. *BAGH-E NAZAR: Journal of NAZAR Research Center (NRC)*, 13(45): 13-26. [in Persian]
 - Landry, Ch. (1995), *The Art of Regeneration: Urban Renewal through Cultural Activity, Demos*.
 - Lang, J. (2015), *Urban Design: A Typology of Procedures and Products* (5th ed). (S. H. Bahrainy, Trans.). Tehran: University of Tehran Press. (Original work published 2008). [in Persian]
 - Lotfi, S. (2012). *Culture-led Regeneration: A Reflection upon Cultural Fundamentals and the Act of Regeneration*. *HONAR-HA-YE-ZIBA: Journal of Architecture and Urban Design and Urban planning*, 3(45): 49- 62. [in Persian]
 - Mc Andrew, F.T. (2015). *Environmental*

References:

- Ahmadi, A. & Tavakoli, M. (2009). *The study of social participation of citizens in the optimal management of urban affairs*. *Sociology, social issues (social science research)*, 2: 73-90. [in Persian]
- Aminzadeh, B. & Reza Beigi Sani, R. (2012). *Evaluation of Public Participation in Tarhhayeh Manzar Shahri (Urban Landscape Plans)*. *HONAR-HA-YE-ZIBA: Journal of Architecture and Urban Design and Urban planning*, 17(3): 29-40. [in Persian]
- Azizi, M.M. & Bahra, B. (2018). *The Role of Flagship Developments in the Regeneration of Inner City Textures: The Case Study of Yazd City, Iran*. *HONAR-HA-YE-ZIBA: Journal of Architecture and Urban Design and Urban planning*, 22(4): 5- 16. [in Persian]
- Barati, N., DavoudNejad, Z. & Montazeri, M. (2014). *Research Methods in Environmental Studies* (2th ed). Tehran: Saco Publication. (Original work published 2013). [in Persian]
- Barati, N. & SoleimanNejad, M.A. (2011). *Perception of Stimuli in Controlled Environment and Gender Impact on It Case Study: Faculty of Architecture and Urbanism Students at the International University of Imam Khomani, Qazvin, Iran*. *BAGH-E NAZAR: Journal of NAZAR Research Center (NRC)*, 8(17): 19-29. [in Persian]
- Behzadfar, M. & Mahmoudi Kurdistani, P. (2010). *Qualitative Normas for Democratic Urban Spaces Design*. *Armanshahr :Journal of Architecture and Urban planning* , 2(3): 32-48. [in Persian]
- Bell, S. (2015). *Landscape: Pattern, Perception, and Process* (4th ed). (B. Aminzadeh, Trans.). Tehran: University of Tehran Press. (Original work published 1999). [in Persian]
- Bently, I., Alcock, A., Murrain, P., McGlynn, S. & Smit, G. (2017). *Pesponsive Environments: Amanual for designers* (13th ed). (M. Behzadfar, Trans.). Tehran: Iran University of Science& Technology. (Original work published 2004). [in Persian]
- Bonakdar, A. & Gharaei, F. (2011). *Conversion of Paradigms at urban design's principles: From*

Participation Method in Design and Planning. (N. Barati., M. Attarian. & M. Barati. Trans.). New York: Department of John Wiley & Sons. [in Persian]

- Sharafi, M., Rashidi Far, F., & Barak pur, N. (2010). People's participation in preparing the Organizing plans and Neighborhood development. Scientific Journal Management System, 1(2): 35-55. [in Persian]
- Shieh, E. & Meimandi Parizi, S. (2009). The Improvement of Urban Spaces and its Social Effects. Abadi: Journal of Architecture and Urban planning, 19(63): 64-67. [in Persian]
- psychology (4th ed). (GH.R. Mahmoudi, Trans.). Tehran: Zarbaf-e Asl Publication. (Original work published 1993). [in Persian]
- Norberg – Schulz, C. (2015). Genius Loci: Towards a phenomenology of architecture (5th ed). (M.R. Shirazi.). Tehran: Publications Rokhded - e - NO. (Original work published 2012). [in Persian]
- Nourian, F. & Ariana, A. (2012). Analyzing Judicial Support for Public Participation in Urban Regeneration Case Study of Imam Ali Square (Ateegh) in Isfahan. HONAR-HA-YE-ZIBA: Journal of Architecture and Urban Design and Urban planning, 17(2): 15- 28. [in Persian]
- Pakzad, J. (2014). An Intellectual History of Urbanism 3: From Space to Place (3th ed). Tehran: Armanshahr Publication. (Original work published 2011). [in Persian]
- Pakzad, J. (2016). Theories and urban design process Place (8th ed). Tehran: Armanshahr Publication. (Original work published 2007). [in Persian]
- RastBin, S., Jafari, Y., Daram, Y. & Moazezi Mehr Tehran, A.M. (2012). Relationship between Environmental Qualities and Continuation of Urban Life in Public Realm. BAGH-E NAZAR: Journal of NAZAR Research Center (NRC), 9(21): 35-46. [in Persian]
- RezaZadeh, R. (2010). Study Social and Cultural Effective Factors on Quality of Architecture City and the Image of City. Abadi: Journal of Architecture and Urban planning, 66: 38-41. [in Persian]
- Roberts, Peter W and Hugh Sykes (2003), Urban regeneration: a handbook, London, sage.
- SajjadZadeh, H., Dalvand, R. & Hamidinia, M. (2016). The role of regeneration in catalyst approach of ancient neighborhood: case study: haji neighborhood in Hamedan. HAFTSHAHR: Journal of The Urban Development and Organization, 4(53-54): 54- 76. [in Persian]
- SajjadZadeh, H., Hamidinia, M & Dalvand, R. (2018). Assessment and Evaluation the Dimensions of Development Catalyst in Recreation of Traditional Districts: Case study: Haji District in Hamadan Historical Context. Geography And Development Iranian Journal, 15(49): 1-22.[in Persian]
- Sanoff, H. (2019-In print). Community

۱۰۳

شماره سی و دو

پاییز ۱۳۹۸

فصلنامه
علمی-پژوهشی



جستاری در همکارهای کیفیت ادراک مکان
در تجربه با آفرینی فضای شهری

۱۰۴

شماره سی و دو

پاییز ۱۳۹۸

فصلنامه
علمی-پژوهشی

مطالعات
پاییز

در تجربه بازاریابی فضای شهری
جستاری در هم‌جا‌های کیفیت ادراک مکان